

قصه زهرا



مehشید رفیعیان

مدیر مرکز آموزش بهورزی مرکز بهداشت
شماره یک دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

بنشینند ولی هر دو همچنان ایستاده بودند. قبلا در مراحل پذیرش بارها زهرا و مادرش را دیده بودم ولی امروز حال خاصی داشتند. از آنان خواستم تا مشکل خود را بر راحتی مطرح کنند.

مادر زهرا سرانجام دهان باز کرد و گفت که زهرا باردار است و می ترسد بارداری برای تحصیل وی مانعی ایجاد کند. زهرا ۸ هفته از بارداری اش می گذشت و حالا شروع دوره آموزش بهورزی، حضور در مرکز شبانه روزی، دوری از خانواده، بعد مسافت تا روستای محل سکونت و خطرات این دوران، آن هم با جثه و توان بدنی خاصی که داشت، مرکز آموزش بهورزی را با مشکلات عدیده ای

شروع دوره جدید در مرکز آموزش بهورزی روز خاصی بود. همه پذیرفته شدگان از چند شهرستان به همراه خانواده های خود برای تکمیل مدارک و هماهنگی لازم در آموزشگاه حاضر بودند. طبق روال دوره های قبل، هر دانش آموز به همراه خانواده خود برای آشنایی بیشتر و طرح مشکلات و شرایط خود به صورت تک تک به اتاق مدیر رفته و در خصوص موارد خاص، مشاوره مختصری می شدند. زهرا دختری لاغر با جثه ای ظریف به همراه مادرش وارد اتاق شدند. اضطراب در چهره هر دو موج می زد. با این که از آن ها دعوت کردم روی صندلی مقابل من

رو به رو می‌کرد. من ماما بودم و خوب می‌دانستم که همزمانی این دوران و تحصیل در حرفه بهورزی چه مشکلاتی را در پی خواهد داشت. کمی زهرا و مادرش را دلداری دادم و با هماهنگی کارشناس مسؤول بهورزی استان جلسه‌ای را با حضور مدیر مرکز بهداشت برگزار کرده و از همسر و مادر و پدر زهرا و خودش دعوت کردم در دفتر مدیر شبکه حاضر شوند. در این جلسه، شرایط خاص دوره آموزش بهورزی به خانواده زهرا توضیح کامل داده شد و از آنان خواسته شد که حمایت لازم را از زهرا داشته باشند.

هم‌چنین تصمیم گرفته شد از زهرا تا پایان بارداری و پس از آن و دوران شیردهی به گونه‌ای حمایت شود که به درس و تحصیل وی آسیب وارد نشود و شرایط خاص دوران بارداری و شیردهی نیز در نظر گرفته شود. زهرا وارد پانسیون شد و همراه سایر دانش آموزان تحصیل خود را آغاز کرد.

در نزدیک ترین مرکز خدمات جامع سلامت که در مجاورت مرکز آموزش بهورزی بود پرونده الکترونیک برای زهرا تشکیل شد و علاوه بر این که روند دوران بارداری وی توسط من و مربی مامایی مورد بررسی قرار می‌گرفت در مرکز خدمات جامع سلامت نیز با دقت، خدمات ویژه به مادر باردار ارائه می‌شد.

در اولین بررسی وزن زهرا ۳۸ کیلوگرم بود که با توجه به BMI پایین از نظر تغذیه‌ای شرایط خاص برای وی ایجاد شد. در جلسه‌ای که با دانش آموزان گرفته شد از آنان نیز خواستم که زهرا را مورد توجه ویژه قرار دهند و آنان نیز در این دوران صمیمانه به زهرا کمک کردند.

دوران بارداری زهرا در پایه اول که دروس تئوری را در آموزشگاه می‌گذراند به خوبی طی شد و البته هرچه به زمان زایمان نزدیک‌تر می‌شدیم مشکلات نیز بیشتر می‌شد. علائم خطر دوران بارداری و نشانه‌های شروع زایمان به ناظم شب هم آموزش داده شد و آنان در ساعات عصر و شب هرگونه مشکل احتمالی را به سرعت به من اطلاع می‌دادند و من هم با مدیر مرکز بهداشت در میان می‌گذاشتم و چندین بار به دلیل دردهای پیش

از موعد زایمانی در نیمه شب برای بررسی بیشتر وی را به بیمارستان اعزام کردیم. در هفته ۳۷ بارداری به بعد سرایدار مرکز با یک ماشین آماده باش بودند تا در صورت بروز دردهای زایمانی وی را به بیمارستان منتقل کنند. با لطف و رحمت خداوند متعال زایمان طبیعی زهرا در ۳۹ هفتگی در کنار خانواده و همسرش انجام شد.

در پایان بارداری وزن زهرا ۴۹/۵ بود و نوزاد دختر، سالم با وزن هنگام تولد ۲/۵۵۰ گرم به دنیا آمد. با وجود BMI پایین روند وزن گیری زهرا در طول بارداری مطلوب و نوزاد نیز کاملاً سالم متولد شد و خوشحالی را برای مرکز آموزش بهورزی، مربیان و سایر دانش آموزان به ارمغان آورد.

فصل جدید دغدغه‌های من ایجاد شرایط مناسب بود که هم ادامه تحصیل زهرا را دچار مشکل نکند و هم با توجه به اهمیت شیردهی با شیر مادر، نوزاد وی به خوبی از شیر مادر تغذیه کند. در این زمان دروس تئوری به پایان رسیده بود.

با شروع کار آموزشی پایه اول، تمهیداتی اتخاذ کردم که برای استفاده نوزاد از آغوز در ابتدای تولد تا یک ماه در خانه بهداشت روستای خود زیر نظر ۲ نفر بهورز خبره کارآموزی آغاز شود و مربیان مرکز آموزش بهورزی، روزانه برای آموزش به وی به خانه بهداشت می‌آمدند. نوزاد زهرا براحتی با حمایت مادرش در نزدیکی منزل با شیر مادر تغذیه شد و بعد از آن یک خانه بهداشت نمونه آموزشی در نزدیک ترین محل به روستای زهرا آغاز به کار کرد و روزانه زهرا در محل کارآموزی حاضر و پس از ترخیص کردن و شیردادن نوزاد به خانه خود برمی‌گشت.

زهرا پایه اول را با موفقیت گذراند و با توجه به رشد مطلوب نوزاد و حمایت مادرش، مانند سایر دانش آموزان به پانسیون بازگشت.

در حال حاضر نوزاد زهرا ۹ ماهه است و وی در پایان دوره نظری و عملی پایه دوم به سر می‌برد. اگر چه دوران سخت و نفسگیری بود ولی دیدن خنده مادر و نوزاد خستگی را از وجود همه کادر زحمت کش مرکز آموزش بهورزی زدود.